# WHAT I WOULD WANT FROM P&G

Ferdinando Frega - Nando the Scribe



Gillettenarrative.com

# آنچه از P&G می‌خواهم

*THE P&G SAGA · 02*

---

من قدیس نیستم. پس از نقطهٔ کانونی این داستان شروع می‌کنم.

دلم می‌خواست هر روز زنی دیگر داشته باشم. نه برای سکس — به تأیید علم، زن‌ها به آن نیازی ندارند. آنچه می‌خواستم دسترسی به دانش بی‌کران اوست. آن بخش ناشناختهٔ جهان زنانه. همان بخشی که از شهود و غریزه ساخته شده است.

همان سه دقیقهٔ همیشگی که از آنِ مردان است، لحظهٔ خالی شدن باقی می‌ماند. و در عمل، به‌ندرت بهای واقعی‌اش را می‌دانید. لحظه‌ای را ارضا می‌کنند و زندگی‌ای را آسیب می‌زنند. هیچ چیزی نمی‌سازند.

اما فقط او — فقط یک زن — می‌تواند ما را بهتر کند.

یک نفر را در هر زمان دوست داشتن، با شدت، یگانه، انگار آخرین بار است — مثل بردن لاتاری است و باور کردن، برای لحظه‌ای، که بالاخره فهمیده‌اید ثروتمند بودن یعنی چه. بعد همه‌چیز محو می‌شود.

عشق چنین اثری دارد. هرگز ابدی نیست. تکامل می‌یابد. قوی‌تر نمی‌شود — بهتر می‌شود، جابه‌جا می‌شود، عملکردش را عوض می‌کند، مثل سهمی در هر فصل مالی. مثل شرکتی که مادرم یک عمر در آن محبوس ماند: P&G.

این نویسنده چیزی نمی‌خواهد جز اینکه برای کاری که می‌کند شناخته شود — نه برای آنچه هست. بهترین بخشی که هر یک از ما در این جهان خرج می‌کند. چون زندگی همیشه ترازنامه می‌خواهد. و همه حسابدار ندارند.

*خوش آمدید.*
*Nando*